



زنان سرشناس افغانستان

گفت وگو با صالحه وهاب واصل شاعر فرہیخته، نقاش مستعد، فعال حقوق زن و مدیر مسول فصلنامه بانو

مصاحبه کننده: شیرین نظیری فعال حقوق زن و

گرداننده سایت آوای زنان افغانستان

مورخ 5 جون 2012

به سلسله معرفی زنان شهیر و نخبه افغانستان و دهمین سالگرد فصلنامه بانو، مصاحبه ای را با شاعرشویا کشور صالحه وهاب واصل انجام داده ایم که پس از خلص سوانح موصوفه، خدمت تان تقدیم می گردد.

بانو صالحه وهاب واصل بنت الحاج محمد غوث واصل که در 1339 هـ، ش مطابق به 1960 میلادی در شهر کابل در یک خانواده روشنفکر چشم بدنیا گشود.



دوره ابتدائیه را در مکتب بی بی صاحبه و نیک بختی، دوره تعلیمات عالی را در لیسه زرغونه به اتمام رسانیده و سپس برای فراگیری تحصیلات عالی شامل دانشگاه کابل (پوهنتون کابل) شده و در رشته تجارت و مارکتینگ، تحصیلات خود را موفقانه به انجام رسانیده و به ادامه آن در پیداکوژی جای رئیس به کسب درجه ماستری نایل آمده است.

بانو وهاب واصل از سال 1368 هـ، ش مطابق به 1989 نظر به وخامت وضع سیاسی و اجتماعی از کشورش مجبور به مهاجرت شد که مدت دو سال در پاکستان، یک سال در روسیه و 20 سال اخیر را در کشور هالند با همسر و چهار فرزندش (یک دختر و سه پسر) بسر میبرد، وی در کشور هالند نیز به کسب تحصیلات پرداخت و در رشته های مختلف نرسنگی تا درجه کدرنرس، حساب داری کمپیوتری و عملی، دفترداری و شناخت کمپیوتر کوشید و افتخار داشتن دیپلوم و یا شهادتنامه های آنها را بدست آورد و مدت 15 سال به حیث کدرنرس در شفاخانه های مختلفه هالند ایفای وظیفه کرد. خانم وهاب واصل علاوه بر وظیفه اصلی اش همیشه در صدد خدمت به کشور و هموطنانش بوده و به شکل افتخاری با انجمن های مختلف زنان در اروپا، اتحادیه سرتا سری مهاجرین افغان در هالند و نهادهای فرهنگی بیرون مرزی همکار بوده و خدمات مزیدی را انجام داده است.

وی از سال 2007 (م) مطابق به 1386 (هـ، ش) با فصلنامه بانو همکار قلمی بوده و در سال 2009 (م) مطابق به 1388 (هـ، ش) به حیث مدیر مسؤل و صفحه آرا، و دیزاینر پوش در فصلنامه بانو که یک نشریه اروپایست و از اتریش



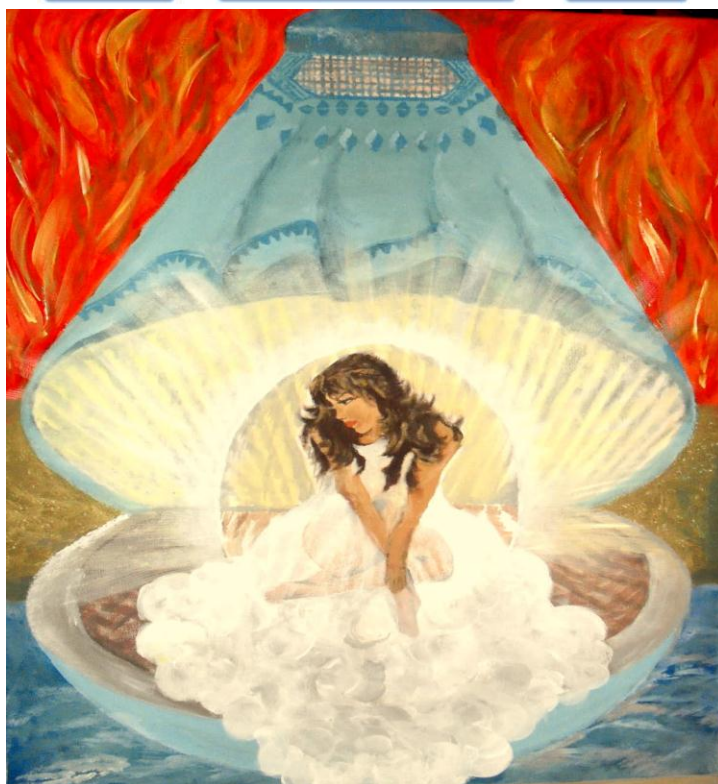
چاپ و نشر میشود انتخاب شد و در سال 2010 (مطابق 1389 هـ، ش) مقام مدیر مالی کمیسیون سرتاسری زنان هالند را نیز از آن خود کرد.

بانو وهاب واصل علاوه بر خدمات اجتماعی و فرهنگی اش نویسنده خوب و نقاش با استعدادیست که یکی از نقاشی های وی در سال 1357 (هـ، ش) مطابق به 1978 (م) در مسابقات نقاشی بین چندین کشور آسیایی مقام اول را کسب کرد. بانو وهاب همچنان جهت ارج گذاری و تقدیر از کارهای شان تا حال مستحق چند تقدیر نامه مطبوعاتی از جانب مقامات ذیصلاح گردیده اند که در جمع عکس های ایشان با ذکر نام مقامات متذکره مشاهده خواهید کرد.



جوایز و تقدیر نامه های مطبوعاتی خانم صاحب وهاب واصل

بانو وهاب واصل تا حال سه بار نقاشی هایش را در شهر های بزرگ آرnhem و بیفر وایک واقع در نیدرلند (هالند) و میورس یکی از شهر های بزرگ جرمنی به نمایش قرار داده که مورد علاقه مندان هنرش قرار گرفته و بعضی از آنها هم به قیمت مناسب به فروش رسیده است. وی همچنان آثار زیبای از دیزاین های دیجیتالش دارد که نمونه های آنرا در صفحه یوتوب خودش به نام waheb60 و یا صفحه پیکاسا در گوگل میتوانید مشاهده فرمائید.



یکی از نقاشی های بانو صالحه وهاب واصل

بانو وهاب واصل علاوه بر اثر «**مروارید گمشده**» که گزینه غزلیاتش میباشد پنج مجموعه شعری دیگر که حاوی سه جلد تک بیت های رنگین بنامهای «**نگین**»، «**گهر**» و «**جوهر**»، یک جلد دوبیتی های رنگین به نام «**یار تنهایی**» و یک مجموعه غزلیات رنگین با مینا توری زیبا به نام «**غزلیات عاشقانه**» که با خط و دیزاین آرتست چیره دست کشور ماحترم توابع وهاب نواسه خیر محمد خان یاری بزرگ ترین نقاش نامدار و بی همتای کشور ما کار شده است هم از چاپ برآمده ، همچنان سه مجموعه ویا گزینه دیگر غزلیاتش بنامهای «**صفای دل**»، «**عالم یقین**»، و «**گوهر ناب**» و «**بیکران عشق**» هم تکمیل وزیر چاپ میباشد. بانو وهاب واصل استعداد شعری را از پدر به میراث برده است و اشعارش زیاد تر متأثر از اشعار بیدل بزرگ و مولانای بلخ بوده، سبک هندی و خراسانی و سبک کلاسیک میپذیرد. وی اشعار سپید و نیمایی هم دارد که با مطالعه مجموعه های شعری اش به سبک و گرایش آن به ساده گی پی خواهیم برد. بانو وهاب واصل با پشت کار نهایی که دارد در کنار سرودن شعر وکلک هنر مندانه اش در نقاشی و و آرت و طرح های دیجیتال ، داستان های بسیار زیبای کوتاه هم مینویسد. که از جمله ی داستانهای این قلم داستان «**صغرا**» که یک قصه ی حقیقی است در فصلنامه بانوبه در شماره های مختلف به شکل دوام دار به نشر رسیده است و در میان خواننده گانش از شهرت خوبی بر خوردار است که در اولین فرصت با داستان های دیگرش به شکل یک کتاب زیر نام «**آتش سوزنده خاموش..**» در آمده و به نشر خواهد رسید. وی کتاب دیگری زیر عنوان «**زن و استفاده سوء از زن در شرق و غرب**» هم روی دست دارد که مطالعه آن برای علاقه مندان قلمش خالی از لذت نخواهد بود.

نسبت جلوگیری از سوء تفاهم قابل یاد دهانیست که بانو وهاب واصل اسم شعری اش را نسبت ملحوظات مجزاء عینی فرهنگی «**واهب**» انتخاب نموده است.



شیرین نظیری:

با عرض سلام و ادب، نخست از همه ، دهمین سالگرد فصلنامه وزین بانورا به شما و همه دست اندکاران بانو تبریک و تهنیت گفته و موفقیت های مزید برای هریک تان آرزو مینمایم. ثانیاً تشکر و سپاس فراوان که درین موقع بسیار مهم به من وقت گذاشتید تا مصاحبه مختصری را با شما انجام دهم.

بانو واصل عزیز؛ اگر در رابطه به آغاز فعالیت های تان در عرصه فرهنگی و اینکه با کدام روزنامه و مجله فعالیت داشته اید. کمی معلومات ارائه دارید؟ شادمان می شوم .

پیش از اینکه به پاسخ سوالات تان بپردازم ، اجازه دهید تا سلامهای گرم خویش را نخست خدمت شما و از طریق شما خدمت همه همکاران و دست اندر کاران سایت آوای زنان افغانستان و آن عزیزانیکه لطف نموده ایندم برای خوانش این گفت و شنود وقت میگذارند، برسانم. ثانیاً به جواب سوال تان در ارتباط با فعالیت های مطبوعاتی و فرهنگی ام گفته میتوانم که:

فعالیت های فرهنگی را در غرب از 2006 به این طرف با ایجاد یک وبلاگ ادبی و فرهنگی به نام «بهانه یی برای گریستن» آغاز کردم ، متأسفانه به جز فصلنامه بانو با کدام روزنامه دیگری همکاری فعال که یک بخش و یا مسئولیت کلی آن را بدوش داشته باشم، نداشته ام. از سال 2007 به این طرف همکار فصلنامه بانو هستم دو سال به صفت هیأت تحریر و مشترک بانوبودم ، و سه سال اخیر را در سمت مدیر مسؤول و دیزاینر پوش و صفحات آن به طور داوطلبانه ایفای وظیفه مینمایم.



کار فصلنامه بانو را با چه امکاناتی و چند نفر نویسنده شروع کردید؟

باتأسف در سال های نخست ایجاد بانو که من هنوز با بانو همکاری نداشتم شاهد عینی مشکلات آن نبوده ام اما طوریکه آقای غوث الدین میر، صاحب امتیاز و بنیانگذار بانو در گفتگو های شان در رسانه های مختلف یاد آور شده اند، ایجادبانو با امکانات بسیار محدود و موجودیت یک نویسنده و سه علاقه مند صورت گرفته که به مرور زمان به نویسنده گان و همکاران قلمی آن افزوده شده است.

لوگوی فصلنامه بانو و شکل آن از کجا آمد؟

لوگوی بانو الی سال 2009 شکل دیگری داشت که شما در شماره های قبل ازین سال دیده میتوانید، اما بعد از آنکه مسؤولیت بانو به من سپرده شد، خواستم لوگوی جدیدی برای بانو طرح ریزی کنم تا هم یک مشخصه خاصی برای بانو باشد و هم زیبایی و ظرافت خاص خودش را داشته باشد. به کمک محترم توابع و هاب کالیگراف چیره دست کشور که همکارم در ترتیب کتب تک بیت ها و رباعیات رنگین من میباشند از فونت خاص دست ساخته خودشان استفاده میکنند، لوگوی بانو را درست کردم و بعد از مشوره آقای میرومواقت ایشان برای اولین بار آنرا روی شماره سیزدهم نصب کردیم که تا امروز مشخصه بانوست و زیبایی آن را افزونتر ساخته است و امید دارم در آینده ها (من باشم نباشم) هم همین لوگو برای بانو باقی و پایدار بماند.

اولین شماره فصلنامه بانو در چه تاریخی منتشر شد؟

فصلنامه بانو برای اولین بار در ماه می سال 2002 در شهر وین اتریش توسط غوث الدین میر و بانو ندا افشار به نشر رسیده است.

گفته می توانید؛ فصلنامه بانو چند سال طول کشید تا توانست مانند کودکی نوپا شکل بگیرد؟

سه الی چهار سال طول کشید تا بانو توانست از منجلاب خشونت های ادبی و فرهنگی سر بیرون کند و یکه تاز به پیش رود. خاصتا از پنجمین سالگرد ایجاد بانو که یکجا با شب شعر بانوان در سال 2007 در اتریش تجلیل گردید و آغاز همکاری های بنده با بانو میباشد، من خود شاهد این پیشرفت بی سابقه و چشم گیر بانو در جامعه فرهنگی برون مرزی کشور میباشم.

بانو واصل عزیز؛ طوریکه میدانیم آغاز هر کار مشکل است. آیا فصلنامه بانو هم در سال های نخست خود با مشکلات روبرو بود؟

بلی؛ بانو در سال های نخست شور بختانه با خشونت ها و ضدیت های بسیار جدی روبرو بوده است. بودند اشخاصی که به اشکال مختلف و غیر مستقیم در راه پیشرفت و انکشاف بانو انتقاد های نادرست بر نام بانو، پالیسی و اساس نامه بانو سنگ اندازی های داشته اند. ایشان برین عقیده بودند که «بانو» یک کلمه ایرانیست و ما افغانها نباید ازین نام استفاده کنیم در حالیکه ما و شما شاهد هستیم که بانو یک کلمه فارسی دری است که از سالیان سابقه و متوالی در تاریخ سلطنت های مختلف کشور ما برای زنان و دختران به رسم احترام و ارج گذاری بر مقام زن بکار برده شده است. " باید افزود: خانم از زبان ترکی در زبان دری آمده است. "

انتقاد دیگر عزیزان مخالف، بیطرفی و غیر سیاسی بودن فصلنامه بانو بوده که خوشبختانه بانو توانسته با وجود این همه مشکلات و ضدیت های جدی با مقاومت بی شائبه از هم نپاشد و به پیش برود که این نمونه توانایی و حوصله مندی



کارکنان این نشریه و وزین میباشد. اما یار و پشتیبان این سال های پر مشقت بانو دوستان مهربان مثل: بانو ندا افشار، بانو شبنم، استاد غفور جلالی از شهر زیبا هرات و همچنان چندی از علاقمندان خوب مجله، آقای عبدالرب ابراهیمی، بانو انجینر ضیاگل، بانو همایوسفی، بانو ظاهره دلزاده، بانو ملکه سید و بانو فتانه وفا در شهر وین بوده اند که بنده به صفت مدیر مسؤل از نام همه دست اندر کاران مجله بانو از ایشان اظهار سپاس و امتنان میکنم.

و هاب و اصل عزیز؛ طوریکه میدانیم یکی از ویژه گی های انسان سالم و موفق مهارت و توانائی و برقراری ارتباط موثر و سازنده با دیگران است. گفته می توانید که موفقیت خود را در فصلنامه بانو در چه حد می دانید؟ چه کسانی در این موفقیت سهیم بودند؟

موفقیت من در بانو اخلاص و ادای صادقانه وظایف سپرده شده به من و علاقه شدید من به ادای خدمتی ازین طریق به خواهران و هموطنانم بوده است. همچنان شناخت و داشتن دست بالا در کمپیوتر و استفاده از تجارب دوستانم که در گذشته ها درین عرصه کارکرد ها و فعالیتهای داشته اند. البته به جا خواهد بود که اسماء این دوستان مهربان و فرهیخته که بنده را با اندوخته ها و تجارب شان درین راه رهنمون بوده اند یاد آور شده از ایشان سپاس گذاری نمایم. ایشان جناب زلمی رزمی محقق و بنیان گذار و مسؤل نشریه تصویر از آلمان، عبدالتواب و هاب ناشر سایت در راه صلح از کلیفورنیای امریکا، دوست فرهیخته و دانشمند انجینر مسعود دلیری از کانادا و داکتر صاحب اسد الله شعور شاعر، محقق و پژوهشگر بسیار ورزیده کشور و دوست بسیار خوب من از کانادا میباشدند.

بیشترین گفت و گوهای شما با کدام کتگوری های زنان بوده است؟ منظورم ازین سوال اینست که گاهی هم شما با زنان بیوه که شوهران خود را در جنگ های بیش از سه دهه ازدست داده اند و نان آوریتیمان شان بوده اند. گفت و شنودی هم داشته اید؟ و از گذشته های سخت و پریشان شان پرسیده اید؟

ما هیچ گاهی کدام کتگوری مشخصی از خانم ها را برای گفتگو نگزیده ایم، زیرا بانو برای کدام کتگوری خاصی هم کارنکرده و نمی کند، اگر شما شماره های مختلف بانو را مطالعه نمائید، مصاحبه ها و گفت و شنود ها با خانم های نخبه و فرهیخته در هر موقف و مقام که بوده و هستند؛ از کارگر، فعال سیاسی، کارمند دولتی، فعال اجتماعی و فرهنگی، بانو خانه، هنر پیشه گرفته تا شاعر، نویسنده و ممثل و محصل، صورت گرفته است و در آینده ها هم به همین منوال خواهد بود. زیرا بانو توسط زنان افغانستان برای زنان و مردان افغانستان ترتیب و تنظیم شده به نشر میرسد. قابل یاد آور است که: در صورت لزوم گفت و شنود های با برادران هموطن ما هم ممکن شده میتواند اما چون در اکثر رسانه ها چانس برای حضور زنان کم رنگ تر است، میکوشیم در قدم نخست بیشترین چانس را به قشر مؤنث هموطنان ما مهیا سازیم و در قدم دوم به قشر مذکر.

ارتباطات بانو با سایر مجلات و سایت های ویژه زنان، که در داخل و خارج کشور منتشر می شود. چگونه است؟

با تأسف ما کم نشریه های را میشناسیم که به کار کرد های زنان افغانستان اختصاص داده شده باشد. با سایت ها و پروگرام های تلویزیونی و انتر نیتی بلی؛ روابط بسیار سالم و مضبوط و همکاری های دوستانه برقرار است اما از چند ماه اخیر به این طرف روابط همکاری با رسانه های داخلی کشور هم در حال برقرار شدن است که محترم غوث الدین میر در سفر اخیر شان در افغانستان پلان های نیکی را درین ارتباط با خود دارند. تا در زمینه موافقت های نهاد های مختلف مطبوعاتی را به شکل قرار داد تنظیم نمایند.

مهمترین اهداف و فعالیت های سال جدید بانو " دریا زده همین سالگرد" چه خواهد بود؟



یکی از اهداف بسیار عمده بانو در یازدهمین سالگرد ایجادش توسعه همکاری قلمی اش (شامل زنان و مردان) در سراسر جهان است که ما در کنار این گام بزرگ آگاهانه پلانهای همکاری نشر و چاپ بانو را به شکل اشتراکی با کشورهای دیگر اروپایی و اخص کشور عزیز ما افغانستان داریم، شما میدانید که برای تنظیم همچو تصامیم و پلانهای کاری علاوه بر به یک طرح بسیار دقیق و جامع وقت کافی ضرورت است که انشاءالله روی آن کار خواهیم کرد.

وهاب واصل مهربان؛ سال گذشته در عرصه نشرات، بیشتر از چه رنج بردید و یا اینکه شاکای بودید؟

خوب؛ از بدو ایجاد تا امروز بانو همیشه با مشکلات اقتصادی روبرو بوده زیرا تمویل مالی آن به شکل انفرادی توسط آقای غوث الدین میر صورت گرفته و میگیرد. من نمی توانم این مشکل را رنج بنامم؛ اما یک مشکل بسیار عمده میتواند محسوب گردد؛ که بعضا میتواند موانع را در راه نشر و چاپ نشریه باعث گردد. روی این ملحوظ در سال های آینده در نظر داریم تا از تجاربزرگ افغانی ما چی در داخل و چی در خارج کشور درخواست اعلانات تجارتي داشته باشیم تا ما، زیر نام یک رسانه محبوب القلوب وسیله باشیم برای انتشار اعلانات شان به هموطنان ما در سراسر جهان و ایشان پشتوانه باشند برای رشد و انکشاف هر چی بیشتر این نشریه فرهنگی و ادبی کشور در عرصه ادب و فرهنگ کشور خود شان در چشم جهانیان.

اگر یکی از بهترین خاطره در دوران کارتان را بیان کنید؛ ممنون میشوم.

هر لحظه کاری میتواند یک خاطره باشد؛ یا خوب و یا دلگیر. اما ما انسان ها روی عادات و یادگیری های نورمال اجتماعی ما تمام آنرا زیر نام خاطره در خاطر خویش نمی سپاریم. فقط آن لحظاتی را که یک جمله و یا یک حرکت کسی بر دل چنگ میزند و در چشم نقش میندند. خوشبختانه من خاطرات بسیار شیرین و خوشی از دوران کاری ام با بانو دارم اما یکی که هیچ گاهی فراموشم نخواهد شد این است که (در یکی از محافل که آقای صلاح الدین صمیم با لطف بیکران شان در حق من، برای معرفی من در بلژیک ترتیب داده بودند با بانویی روبرو و معرفی شدم که از علاقه مندان اشعارم و مشترک بانو است. این خانم دخترک ده ساله اش را هم در کنارش داشت. در جریان صحبت های من با خانم مذکور؛ دخترک خوب به من خیره شد و پس از مکسی با صدای بسیار آهسته به مادرش گفت: مادر، مادر اینمی خالیم بانوس که مه خوشش دارم، شما که مجلیشه میخرین..... و با شوق تمام از من درخواست یک عکس یکجایی را کرد. شما باور کنید که آنقدر ژست و حرکت این دخترک نازنین، زیبا و با نزاکت بود که همچون یک صحنه فراموش ناشدنی در خاطر من نقش بسته است و این خود به من احساس آن داد که حتی دختران زیر سن را هم بانوی ما توانسته به خود جلب و جذب کند.

بیا بید این دقایق را به وطن خود اختصاص بدهیم؛ گرچه یاد و خاطرش مانند اکسیجن در بدن ما ماده حیاتی است که به ما زنده گی و توانائی میبخشد. با آن هم رشد مطبوعات را در کشور ما چگونه می بینید؟

خوشبختانه با وجود این سه دهه جنگ و بویژه دوره سیاه طالبان که کشور عزیز و هموطنان نازنین ما پشت سر گذاشته اند. هموطنان نخبه و فرهیخته و دانشور ما در هر گوشه و کنار جهان که بوده اند، دست روی دست ننشسته و در راه علم و فرهنگ کشور شان با وجود عدم موجودیت امکانات کافی و شرایط بسیار دشوار اقتصادی توانسته اند خدمات شایانی را انجام دهند، نهاد های مختلف علمی و ادبی، فرهنگی و اجتماعی، انجمن های سخن و نویسندگان و ادب دوستان، در ممالک مختلفه غربی به فعالیت های شان پرداخته، کتب، مجله ها و نشریه های را چاپ و به نشر سپرده اند که در تاریخ سیاه و نابود سی سال اخیر کشور ما چون اشعه درخشان آفتاب علم و دانش برای همیشه تابنده خواهد ماند. درین اواخر از طریق نشرات تلویزیونی و انترنتی هم شاهد فعالیت های علمی و فرهنگی در داخل کشور هستیم که خوش بختانه هموطنان ما که شدیداً از جنگ و برادر کشی خسته شده اند زیاد تر توجه شان را درین عرصه معطوف میدارند و این خود یک روزنه بسیار روشن و امید وار کننده برای رشد و انکشافات علمی، هنری و ادبی در آینده مطبوعات کشور ما خواهد بود.



یکی از شاخص های توسعه هر کشور، میزان حضور و فعالیت زنان در جامعه آنست فصلنامه بانو چقدر می تواند در تبیین و تسریع حضور و فعالیت زنان در جامعه ما نقش داشته باشد؟

با آنکه میزان حضور زنان فعال در دولت فعلی کشور در مقایسه با حضور مردان در فعالیتهای اجتماعی بسیار پائین و قلیل است و نفوذ نشریه های مثل فصلنامه بانو در جامعه مرد سالاری افغانستان کار ساده و سهل نیست، اما به اساس پلان های دست داشته ما برای پخش و انتشار فصلنامه بانو در جامعه زن ستیز فعلی به کمک وزارت اطلاعات عامه، وزارت امور زنان، کتابخانه عامه و چند نهاد اجتماعی و فرهنگی دیگر، ممکن است. گرچه ما از طریق سایت های انترنتی هم تبلیغات و نشراتی درین ارتباط داریم اما شوربختانه نسبت دسترسی نداشتن خواهران ما به کمپیوتر و انترنت، این پخش و انتشار را در داخل کشور چندان عملی نمی بینیم. ازینرو با پخش دست بدست و رویاروی بانو به خواهران و برادران ما در داخل کشور، موفقیت بانو را در انکشاف اذهان و رشد خود آگاهی برادران و خواهران ستم کشیده ما در داخل کشور مذبوط تر و قاطعتر تلقی مینمائیم.

سالها با زنان و برای زنان کاری کم و بیش صورت گرفته است. ولی نتیجه نداده، وضعیت تغییر نکرده روزبدرتری شد. هنوز زنان در روستاهای کشور ما از زن روی لچ " صورت گشاده " و مرد گوینده در تلویزیون روی میگیرند. چه باید کرد؟

دقیقاً؛ از بیشتر از صد سال به این طرف مبارزات مختلف درین راه صورت گرفته و همانگونه که شما فرمودید کدام نتیجه قناعت بخشی بدست نیامده، من با درک قاصر خود موضوع را چنین بررسی و قضاوت میکنم که؛ مبارزین این راه همیشه جد و جهد شان بر آن بوده تا زنان را ازین گودال بد بختی نجات دهند، بیخبر ازینکه هر زن روستایی و نا آموخته سواد، در بند چنگال جهل و نارسایی ذهنی و کم علمی مرد خانواده اش قرار دارد. وقتی مرد قوت درک و فهم ندارد، در جوامع مرد سالار و زن ستیز چگونه میتوان به این موفقیت نایل آمد؟ و چگونه میتوان زنان را نقش فعال در جامعه بخشید؟

هرگز ممکن شده نمی تواند. ازین سبب نخست باید در رشد و انکشافات ذهنی و فکری مردان جامعه؛ بر مبنای آموزش علم و دانش بکوشیم، آنها را از مزایای پیشرفت و انکشافات اقتصادی و مدنی، علمی و فرهنگی، مذهبی و سیاسی و اجتماعی آگاه سازیم، زیرا بالا بردن سطح دانش و تحصیلات عالی در مردان، مبین خود آگاهی، خود شناسی و اعتماد به نفس در آنها بوده میتواند و فعالیت های عقلانی و منطقی را در آنها زنده سازد، ایشان را از موقف خود شان و موجودیت زن به حیث یک انسان و مکمل مرد که 50 فیصد جامعه را تشکیل میدهند، آگاه سازد. وقتی به این موفقیت نایل آمدیم دیگر ضرورتی برای نجات زنان نیست. روی این اساس به صراحت میتوانم بگویم که کلید نجات زن ها از قید و بند نارسایی ها و جهل و نادانی، بی عدالتی های اجتماعی و خشونت ها و بالا بردن سطح دانش در زنها، خود آگاهی و خود کفایی زنان؛ فقط و فقط میتواند رشد و انکشافات فکری و ذهنی در مردان باشد و بس.

در آخر کلام پیام شما من حیث فعال حقوق زن؛ به مادران، پدران و همسران به خاطر کاهش، بیرنگ و نابود ساختن خشونت های خانواده گی، علیه زنان چیست؟

اگرچه پیام یک فرد آنهم زن در جامعه بیست و شش میلیونی مرد سالار، قطره آب است که روی پری پان داغ بچکانیم و در کمتر از یک ثانیه بخار گردد و نابود شود. اما زیر نام یک انسان در نقش یک زن با پشتوانه توانایی زنان فعال



افغانستان، حقی که خاکم به نام دادگاه بر من دارد ، خودم را مکلف و مؤظف میدانم تا به خواهران و برادران هم‌نوع و هم‌وطنم که همه در پناه یک آغوش مشترک زاده و بزرگ شده ایم خواهشی در قالب پیام داشته باشم.

پیام من در قدم اول به حیث یک مادر به مادران گرامی اینست که بیایید پسران خود را آگاهانه و روشنگرانه طوری تربیت دهیم که زن را در مجموع بنام یک زن نی، یک خواهر و یک مادر و یک همسر نی ، نمونه نام و ننگ و غیرت و ناموس نی بلکه بنام یک انسان و همگون خود شان یک مخلوق خداوند(ج) بدانند. به صفت یک دختر به پدران گرامی پیام این خواهد بود که فرق میان فرزندان شانرا نابود سازند در صورتیکه هر دو فرزندان (دختر و پسر) در بطن همسر شان از خون خود ایشان است ، هر دو مخلوق خدا و انسانند پس صرف در اثر وابسته گی های واهی و پوچ و نابود اجتماعی و رسم و رواجهای خود ساخته اشخاص نارس و بی درک و نا آموخته سواد جامعه ، بر مبنای این اختلافات جسمانی و جنسی تعیین شده از جانب پروردگار، حق انسانی دختران شان را از آنها نگرفته به روی عدالت های حقانی و انسانی پا نگذارند و با این خشونت های بیرحمانه این زهر را در وجود پسران شان تزریق نکنند.

چون خودم همسر کسی هستم از همه همسران گرانقدر خواهشمندم تا همسر شان را رفیق زنده گی خود ، به جای ماشین تولید طفل مادر وبعد از خدا(ج) خالق فرزندان شان، بجای ننگ و غیرت همکار و همیار و بلاخره بجای کنیز ملکه خانه و خانواده شان بدانند. زیرا اساس و مبنای تربیوی اطفال در دست مادران است(گفته اند صد سال تعلیم یک سال تربیه خوب). روی این ملحوظ چون زن ها بیشتر از 50 فیصد جامعه مدنی را تشکیل میدهند میتوانیم زنان را بنیانگذار جامعه پیشرفته و مترقی بدانیم.

شاعر عزیز صالحه و هاب واصل ؛ به آرزوی موفقیت و کامگاری ، در همه امور زنده گی تان از شما تشکر میکنم که به درخواست ما لیبیک گفته دعوت ما را پذیرفتید.

بانو نظیری عزیز ، بگذارید به پاس امتنان و ارج گذاری بر محبت تان نسبت دعوت بنده به همچو گفت و شنود دلچسپ و ارزنده اظهار سپاس داشته باشم و این یک تک بیت ناچیز را تحت عنوان قدردانی از زحمات تان به شما تقدیم نمایم.

از همت و الای تو بر لب سخن داریم ما

ای خوش سخن « شیرین » شمعی در شبستان ادب

واهب

پایان

www.Voiceofwomenafg.blogspot.com آوای زنان افغانستان